

## تحلیل تطبیقی انقلاب اسلامی و روسیه در تقابل با تروریسم بنیادگرا\*

جابر منیرپور<sup>۱</sup>، مالک ذوالقدر<sup>۲</sup>، مهدی خوشحطی<sup>۳</sup>، حسن عیوض‌زاده<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

### چکیده:

تروریسم بنیادگرا یکی از چالش‌های مهم صلح و امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی در چند دهه اخیر بوده است. انقلاب اسلامی ایران و روسیه نیز هر یک به نوعی در معرض تهدید تروریسم بنیادگرا بوده‌اند. در این مقاله تلاش شده رویکرد انقلاب اسلامی و روسیه در تقابل با تروریسم بنیادگرا بررسی شود. سوال اساسی که مطرح و بررسی شده این است که انقلاب اسلامی و روسیه در تقابل با تروریسم بنیادگرا چه رویکردی اتخاذ کرده‌اند؟ مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سوال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌های مقاله بیانگر این امر است که تروریسم بنیادگرا به دلایل ایدئولوژیک، تهدید تمامیت ارضی و خشونت‌گرایی در منطقه برای انقلاب اسلامی ایران تهدید جدی محسوب شده و در اسناد و استراتژی امنیت ملی روسیه نیز، تروریسم و از جمله تروریسم بنیادگرا تهدید جدی برای امنیت ملی این کشور تلقی شده است. راهبرد انقلاب اسلامی در تقابل با تروریسم بنیادگرا هم در بعد سخت افزاری به صورت مشاوره مستشاری و مداخله نظامی و هم در بعد نرم افزاری در قالب فعالیت رسانه‌ای و همچنین تشکیل ائتلاف منطقه‌ای با کشورهای چون روسیه قابل تبیین است. در راهبرد روسیه در تقابل با تروریسم بنیادگرا نیز مداخله نظامی و استفاده از ائتلاف منطقه‌ای جایگاه خاصی داشته است که به عنوان وجوه اشتراک رویکرد انقلاب اسلامی و روسیه در تقابل با تروریسم بنیادگرا قابل تبیین است. نتیجه اینکه وجوه مشترک راهبرد انقلاب اسلامی و روسیه، تاثیر مهمی در تضعیف شدید تروریسم بنیادگرا و استقرار ثبات در منطقه داشته است.

**واژگان اصلی:** تروریسم بنیادگرا، انقلاب اسلامی، روسیه، ایدئولوژی.

\* این مقاله، مستخرج از رساله دکتری جابر منیرپور دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل با عنوان (راهبردهای سیاسی-امنیتی روسیه در مقابله با تروریسم بنیادگرایی و اثر آن بر اوراسیا) می‌باشد؛ که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان دفاع گردیده است.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲. استادیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

Malek.zolqadr@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

۳. استادیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۴. استادیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

## مقدمه

تروریسم بنیادگرا به دلایل مختلف در دهه‌های اخیر روند فزاینده و روبه گسترشی داشته است (میر، ۱۳۹۰: ۸). بنیادگرایان با برگرفتن نگاه از انسان و ماهیت فهم دین بر اساس طرد کردن عقل به‌عنوان یک منبع معرفتی اصیل، نگاه اخلاقی را از عرصه سیاست حذف کرده و بازگشت به هویت ناب را بدون تکیه بر معرفت ناب طلب می‌کنند. نتیجه چنین بینشی مشروع سازی خشونت برای رسیدن به حقیقت است (جعیت، ۱۳۸۱: ۱۱۵). که منجر به شکل‌گیری تروریسم بنیادگرا شده است؛ نوعی از تروریسم برای تحقق جامعه اسلامی اولیه و صدر اسلام استفاده از خشونت را جایز می‌داند. تروریسم به‌ویژه تروریسم بنیادگرا، یکی از معضلاتی است که حیات انسان‌ها را تهدید کرده و این معضل، یک مسئله جهانی است که در هر منطقه‌ای بسته به ویژگی‌های آن حوزه، رشد کرده و گسترش یافته است. موضوع مقابله با تروریسم، از معدود مواردی است که اکثر کشورها و ملت‌ها بر روی مقابله با آن اتفاق نظر دارند. البته این اتفاق نظر دارند. البته امری کلی است و هر دولتی، برداشت و تفسیر خود را از معنای پدیده تروریسم و روش‌های برخورد با آن ارائه می‌کند. به نظر می‌رسد تفاوت روش‌های مقابله با آن و عدم وجود نگرشی واحد در مورد آن، به تروریسم مجال برای ادامه بقا داده است. مناطق مختلفی در دنیا وجود دارند که اقدامات تروریستی در آن، رواج یافته است. یکی از این مناطق، خاورمیانه است که هم‌زمان با آن، منافع متضاد قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در این منطقه، بر حجم نا به سامانی‌ها افزوده است. جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه به‌عنوان کشورهای ذی‌نفع در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در مناطق پیرامونی خود، دارای اصول و راهبردهای خاصی بوده و این راهبردها متناسب با شرایط هر منطقه و هر دوره زمانی تدوین می‌شود. مقاله حاضر درصدد بررسی تحلیل تطبیقی رویکرد انقلاب اسلامی و روسیه در تقابل با تروریسم بنیادگرا است؛ اینکه رویکرد انقلاب اسلامی و روسیه در تقابل با تروریسم بنیادگرا چگونه قابل تحلیل است؟ به منظور بررسی و پاسخ به سوال مورد اشاره ابتدا به بحث نظری پرداخته شد، در ادامه از تقابل انقلاب اسلامی و سپس از تقابل روسیه با تروریسم بنیادگرا بحث شده است.

## بحث نظری

مطالعات و بررسی‌های بسیاری در رابطه با بنیادگرایی صورت گرفته است. از یک منظر، بنیادگرایی ناشی از بحران هویت ایجادشده در جوامع در واکنش به جهانی شدن و مدرنیته است. اما

به نظر می‌رسد این فقط مدرنیته نیست که با واکنش بنیادگرایی و بازگشت به اسلام نخستین روبه‌رو شده است؛ بلکه در طول تاریخ هر زمان جهان اسلام با تهدید خارجی روبه‌رو گردیده یک نوع گرایش بنیادگرایی در آن ایجاد شده است (نظمی، ۱۳۸۵: ۹). اسلام‌گرایی یا ناشی از نیروی خارجی است که بر اساس ایده موجودیت اسلامی به پا خاسته و یا واکنشی رو ساختی در برابر یک بحران ساختاری است. در هر صورت اسلام‌گرایی در ماهیت بحران تثبیت شده است. بافهم ماهیت خود بحران می‌توان آنچه را که از درون بحران برمی‌خیزد درک کرد. هر نظم اجتماع نتیجه مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که جافتاده و نهادینه شده‌اند. بحران وضعیتی است که در آن روابط و فعالیت‌های عادی و رسوب شده بی‌ثبات می‌شوند، یعنی هنگامی که وحدت حوزه خاصی از فضای گفتمانی از میان برود و امور عادی و جافتاده متزلزل شوند فروپاشی ساختار، ابهام هویتی ایجاد می‌کند (سعید، ۱۳۹۰: ۳۸). شکل‌گیری بحران در یک ساختار اندیشه‌ای که مفاهیم معانی جدید را تولید نمی‌کنند و بازتولید معانی تاریخی را مدنظر دارند. در شرایط بحران در برابر مفاهیم جدید که موجودیت آنان را مورد تردید قرار می‌دهند راه‌حل غیر قاعده‌مند را پیش می‌گیرند و مشخص کردن آن راه‌حل پیش‌بینی‌ناپذیر است. کنشگر فعال در ساختار بحران نقشی پررنگ در برجسته‌سازی بحران و راه‌حل‌های غیره منتظره دارد. نهاد خلافت که ستون اندیشه اهل سنت است در امر سیاست بیشتر متوجه امنیت بوده و به همین سبب که در هنگام بحران دال امنیتی خود را بیشتر به رخ می‌کشد که در هستی‌شناسی عدم امنیت دیگران را در پی دارد. بنیادگرایان جهان را در پرتو مفاهیم متضاد درک نمی‌کنند و همسازی طبیعی مدنظر آنان توهم خطرناکی است که مدنظر دارند (نظری، ۱۳۸۷: ۳۲۰: ۳۲۰). به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت که درک نکردن مفهوم متضاد بسته بودن چارچوب معنایی بنیادگرایان را می‌رساند که از دلایل فقدان قاعده‌مندی در پاسخ به بحران ساختاری ایجاد شده و نگاه به کسب قدرت در هر صورت است.

یکی از مفاهیم مورد اهتمام اسلام سیاسی که چالش نو را بین اسلام سیاسی و کاملاً کشورهای مسلمان به وجود آورده است. نظام حکومت به‌عنوان یکی از ابعاد هستی‌شناسانه است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۹). در نگاه بنیادگرایان «هر حکومتی که شریعت اسلام در آن اجرا نشود مورد پذیرش اسلام نیست گرچه هیئت دینی بر آن حاکم باشد یا عنوان اسلامی به خود داشته باشد» (مستقیم، ۱۳۸۹: ۳۴۸). یکی دیگر از ابعاد هستی‌شناسانه اسلام سیاسی و شاید مهم‌ترین آن امر جهاد است. جهاد از منظر اسلام سیاسی همان‌طور که گراهام فولر می‌گوید: مقاومت و جهاد در اسلام به‌منابۀ چرخه

اجتماعی و جنبشی سیاسی در جهان اسلام است که به نظر می‌رسد خود اسلام در برابر جهان توسعه‌یافته ارائه می‌دهد. این جهاد به‌نوعی احیای منزلت اسلام قدیم است. جهاد با کفار از نظر هستی‌شناسانه یا موجودیت فرد مسلمان معنا پیدا می‌کند. این مفهوم جهان اسلام و معتقدان مسلمان را در هر زمان علیه کشمکش‌های داخلی و خارجی فرامی‌خواند که با نوعی امنیت هستی‌شناسانه جامعه اسلامی ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند (مستقیم، ۱۳۸۹: ۳۴۸). در این تحقیق بنیادگرایی به‌عنوان ابزاری هویت‌ساز برای رسیدن به هدف، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب چارچوب مفهومی این پژوهش در نسبت میان هویت و خشونت می‌باشد.

### تقابل انقلاب اسلامی با تروریسم بنیادگرا

با پیروزی انقلاب در ایران که استقرار سیستم حکومتی نوینی را در کشور به دنبال داشت، دگرگونی‌های اساسی در سیاست‌های داخلی و خارجی، جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران پدید آمد. پس از پیروزی انقلاب تاکنون، روند سیاست‌گذاری کلی کشور به‌صورت یکنواختی تداوم نیافته است، بلکه تغییر و تحولات مهمی در این عرصه روی داده است. این تغییرات بعضاً یا از مقتضیات داخلی نشأت گرفته‌اند و یا حاصل تحولات کلی‌تر در عرصه بین‌المللی و جهانی بوده‌اند، به همین نسبت گفتمان‌های امنیت ملی به تبعیت از تحولات نوین در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دستخوش تغییر گشته‌اند. ورود معیارهای ایدئولوژیک به عرصه سیاست‌گذاری نظام موجب تغییرات عمده‌ای در ملاحظات امنیتی ایران شد. در این دوره عناصر تشکیل‌دهنده سیاست‌گذاری به تبعیت از این معیارها دچار تغییر شدند. در این مرحله سیاست خارجی ایران از ائتلاف با غرب به سمت سیاست عدم تعهد واقعی تغییر یافت و اسلام به‌عنوان عنصر اصلی در سیاست خارجی ایران ایفای نقش نمود، مواضع ایران در عرصه خارجی در این دوره بر مبنای سیاست نه شرقی نه غربی، محوریت اسلام، صدور انقلاب، حمایت از ملل محروم، مبارزه با امپریالیسم و تقابل با نظام بین‌الملل اتخاذ می‌گردید. در عرصه داخل نیز روش‌های انقلابی در جهت تأمین مصالح کلی انقلاب و نظام به کار گرفته می‌شد، از جمله سیاست استقلال و خوداتکایی اقتصادی، مساوات و عدالت اجتماعی از سوی انقلابیون از مهم‌ترین مراحل حفظ ثبات نظام و قطع وابستگی‌های ساختاری به جهان خارج که می‌توانست سرمنشأ هرگونه تهدید امنیتی باشد، تلقی می‌گردیدند (رنجبر، ۱۳۹۴: ۴۵). جمهوری اسلامی ایران در طول در طول چند دهه اخیر، برای

سرکوبی و نابودی تروریسم از «راهبرد سرکوب بهره‌مند شده» (افتخاری و شبستانی، ۱۳۹۰: ۱۶). البته همواره بر مقابله باریشه‌های تروریسم به‌ویژه تروریسم بنیادگرا و همکاری در تقابل با این نوع تروریسم تأکید داشته است. در این قسمت از تقابل انقلاب اسلامی با تروریسم بنیادگرا بحث می‌شود.

### الف: تقابل ایدئولوژیک

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و روی کار آمدن یک حکومت شیعی در منطقه، رویکرد آل سعود به فعال شدن هر چه بیشتر در کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای وارث تمدن ایرانی (پاکستان و افغانستان در همسایگی شرق ایران قبل از فروپاشی شوروی و همسایگان شمالی ایران در آسیای مرکزی و جمهوری‌های قفقاز پس از فروپاشی شوروی) تغییر یافت. این تغییر رویکرد باعث تأسیس طالبان (۱۹۹۶ م) و القاعده (۱۹۸۸ م) در افغانستان شد که بخشی از افراط‌گرایی‌های عقیدتی و رفتاری خوارج را احیا کردند؛ اما با تأسیس القاعده عراق و سپس دولت اسلامی عراق و شام (داعش) افراط‌گرایی مجهز به قدرت دوباره در منطقه سر برآورد که هرچند افکار و اعمال آن در جهان معاصر تقریباً بی‌سابقه بود، اما برای مسلمانان تداعی‌گر جریان «خوارج» صدر اسلام بود. یکی از مفاهیم مورد اهتمام بنیادگرایان، مفهوم رافضی‌هاست. منظور از این مفهوم شیعیانی است که به عقیده آن‌ها از دین خارج شده و دین اسلام را منحرف کرده‌اند، گرچه اصل اختلاف شیعه و سنی بر سر جانشینی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه و آله است. به نظر می‌رسد ریشه اصلی اختلاف به هویت شیعیان می‌رسد (مستقیمی، ۱۳۸۹: ۳۵۱). آنچه سبب می‌شود بنیادگرایان هویت شیعیان را منبع اصلی اختلاف بدانند، به نظر آنان برگشت تفکر شیعی به تفکر زرتشتی، یهودی یا مسیحی بودن آن است.

نگاه تروریسم بنیادگرا، بر اساس دیدگاه فقهی وهابیان درباره شیعیان است. «تشیع از روی بغض و لجاجت به وجود آمده است. اینان از ته دل به اسلام گرویده‌اند، لیکن از روی ترس مسلمانان یا برای فریب آنان به تکالیف اسلامی تظاهر می‌کنند» (مولانا ضیاء الرحمن، ۱۳۶۹: ۱۲۱). در اینجا باید به انشعاب جریان فکری وهابیت آل سعود و تروریسم بنیادگرا اشاره کرد. اگرچه دولت سعودی به‌زعم خود یک جریان تکفیری با مبانی فکری محمد بن عبدالوهاب محسوب می‌گردد و در واقع ریشه‌های جریان تکفیری از طریق محمد بن عبدالوهاب به ابن تیمیه بازمی‌گردد، بااین حال جریان آل سعود یک جریان دولتی بوده و این جریان در قالب یک دولت

نمی‌توانست از محدوده قوانین بین‌المللی خارج شود. از این رو با وجود این تغییرات که یک جریان افراطی تکفیری را در قالب یک دولت محدود می‌کرد، جریان‌های رادیکالی و افراطی‌تر از جریان آل سعود بروز کردند که با نگرش دولت وهابی مخالفت کرده و حتی خواستار مقابله با آن شدند. یکی از برجسته‌ترین این جریان‌ها همان شبکه القاعده است که اسامه بن‌لادن آن را تأسیس کرد بن‌لادن به یک تفکر جهادی تکفیری دعوت می‌کرد (فقیهی، ۱۳۹۳: ۴).

درواقع باید گفت تفاوت جریان تروریسم بنیادگرا با جریان وهابیت آل سعود این است که هرچند این دو گروه در مبادی و مبانی دارای نقاط اشتراک فراوانی هستند، اما جریان وهابیت آل سعودی یک نوع جریان تکفیری محض است؛ حال آن‌که جریان‌های نوظهور تکفیری با برداشتهای سطحی خواستار جهاد با کفار با الگوگیری از جریان‌های نخستین صدر اسلام هستند که این نوع تفکر و جهاد علاوه بر شیعیان دولت‌های حاکم بر کشورهای منطقه را هم شامل می‌شود؛ نظیر فجایع داعش در عراق و سوریه که نوعی رقابت را میان تکفیری‌های نوظهور با دولت تکفیری عربستان در از میان بردن نمادهای شیعی ایجاد می‌کرده است.

تکفیر شیعیان و حتی سایر مسلمانان و حلال کردن قتل آنان و غارت اموال و هتک حرمت نوامیس و فروختن آنان در بازار برده‌فروشان حرکتی بود که از فقه وهابیون به الگوی رفتاری تروریسم بنیادگرایی مانند داعش سرایت کرده است. نابودی کعبه باهدف نابودی آثار و نمادهای بت‌پرستی صورت گرفت امری بود که وهابیون نخست را در زمره مخالفان سرسخت اعمال حج قرار داده بود و این امر با ممانعت مردم از حج و تحریک عشایر و قبایل به غارت قافله‌های حجاج شکلی سازمان‌دهی شده در تاریخ حملات وهابیون به اماکن مذهبی و تاریخی مسلمانان داده بود، از این رو گروه داعش به‌عنوان نماد تروریسم بنیادگرا نیز بر مبنای همین تحلیل سلفی - وهابی به شرک نامیدن اعمال حج توسط حجاج فتوا داده است. تا آنجا که فریضه حج را از اعمال مشرکان دانسته و قبله‌گاه مسلمین را تهدید به ویرانی کردند.

در بعد منطقه‌ای تروریسم بنیادگرا بعدی از منافع جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجه می‌کند که می‌توان آن را منزلت ایدئولوژیک نامید. مهم‌ترین منزلت جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی در منطقه، جایگاه و منزلت ایدئولوژیک آن است بر این اساس تروریسم بنیادگرا، اولاً همزیستی میان شیعه و سنی را در منطقه به شدت به هم زده در این صورت شکاف شیعه - سنی در برابر شکاف اسلام - غرب تقویت می‌شود؛ ثانیاً در صورت وقوع، سبب هم‌پوشانی منافع

منطقه‌ای ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران و همکاری پیرامون این منافع خواهد شد. از آنجایی که عدم همپوشانی منافع دو کشور بخشی از اقتدار و شأن ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در میان مسلمانان منطقه است همکاری‌هایی از این دست می‌تواند آن را متزلزل نماید. در واقع در این بعد نیز تروریسم نوین حاوی نوعی جنگ روانی در میان مسلمانان منطقه است و تحقق این امر سبب کاهش منزلت ایدئولوژیک ایران و به‌منزله‌ی محدود شدن عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به مرزهای رسمی آن است (فتاحی، ۱۳۹۳: ۷۷).

گروه‌های موسوم به تروریسم بنیادگرا البته رویکرد یکسانی در تقابل با شیعیان نداشته‌اند. برخلاف القاعده که هدف اولیه آن نابودی دشمن دور یعنی آمریکا است، گروه‌های نو سلفی چون داعش، هدف خود را مبارزه با دشمن نزدیک که شیعیان را در برمی‌گیرد، تعریف کرده، حکم به تکفیر و قتل و عام شیعیان می‌دهند و خود را مسلمان و شیعیان را مصداق کفر و کافر می‌دانند و به تخریب مقابر، زیارتگاه‌ها و مقدسات شیعیان می‌پردازند، این اقدامات آن‌ها به‌خصوص در کشور عراق که آرامگاه شش تا از امامان در آنجا می‌باشد، کاملاً مشهود است. از جمله تخریب قبور شهر الطبق در استان الرقه سوریه اقدام کرده است. و تاکنون مراقد و مقام‌های شماری از پیامبران، شخصیت‌های مذهبی و اولیای دین را در رقه و شهر حلب سوریه تخریب کرده‌اند، گروه داعش برای تخریب اماکن مذهبی از گردانی به نام گردان «تسویه قبور و ضریح» بهره می‌برد. اعضای این گردان با استفاده از ماشین‌آلات سنگین که متعلق به شرکت‌های بزرگ در موصل بود و آن‌ها را پس از اشغال نینوا به چنگ آورده بودند، به تخریب اماکن مذهبی و تاریخی اقدام می‌کنند. داعش، گروهی با افراط‌های مذهبی است؛ به‌گونه‌ای که دایره مسلمانان را چنان تنگ تعریف کرده که جایی برای غیر باقی نمی‌ماند و به دلیل همین ماهیت افراطی مذهبی، به جنگ علیه دیگران رنگ و بوی مذهبی می‌دهد. گروه‌های نو سلفی بنیادگرا تشیع را یکی از اهداف مشروع خود برای حمله می‌دانند و با توجه به نقش بارز و حیاتی که تشیع در هویت ایرانی دارد، می‌توان گفت تهدید این جریان‌های تروریستی برای ایران، یک تهدید حیاتی به شمار می‌آید. حساسیت روی هویت شیعی از جمله بارزترین نقاط اشتراک طیف‌ها و گرایش‌های مختلف سلفی‌گری است.

ب: خشونت و عملگرا بودن / چالش امنیتی

خشونت و عملگرا بودن یکی از ویژگی‌های مهم تروریسم بنیادگراست که ریشه در اندیشه ابن تیمیه دارد. ابن تیمیه بر ضرورت جهاد با کفار و قتل آنها تأکید دارد (ابن تیمیه، ۲۰۰۳: ۳۴۲). از نظر تروریسم بنیادگرا، نظام حقیقت برای رفع موانع و رسیدن به سلطه نیازمند قدرت است و همین امر اهمیت جهاد و توانمندی سازی مسلمانان را نزد او معنا می‌کرد و در منطق تروریسم جهاد بر تمام عبادات مقدم است و مؤمن واقعی از غیر آن با میزان اقدام و التزامش در جهاد تمیز داده می‌شود. که این نگاه ایجابی و افراطی تروریسم بنیادگرا را به پیکارجویی و خشونت رهنمون می‌شود که از آن به جنگ مقدس تعبیر می‌شود (هوشنگی، ۱۳۹۰: ۳۴). هرچند لازمه منطقی بنیادگرایی به معنای رجوع به نصوص مرجع الزاماً خشونت‌گرایی را در پی ندارد (فیرحی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). اما عموم بنیادگرایان اسلامی بر این باورند که در نصوص مذهبی نوعی توجیه خشونت وجود دارد، از منظر بنیادگرایان حتی اگر در نصوص مذهبی نوعی توجیه خشونت هم وجود نداشته باشد، باز فضای عمومی و کلی متن مقدس گویای آن است و از این رو بنیادگرایی اسلامی در شرایط دنیای متکثر و به‌طور خودکار خشونت تولید می‌کند. خشونت‌گرایی بنیادگرایی عملاً نظم و ثبات منطقه‌ای را دشتخوش تغییر کرده و چالش امنیتی برای ایران ایجاد می‌کند.

عمق راهبردی جمهوری اسلامی، سطوح گوناگونی دارد. اولین حلقه عمق راهبردی ایران، به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی، جهان اسلام است. ایران به‌واسطه پیام و ارزش‌هایی که بر آن‌ها تأکید دارد، توانسته است در جهان اسلام و برای امت اسلامی الگو باشد و عمق راهبردی ایجاد کند. حمایت توده‌های مردم و نفوذ قدرت نرم جمهوری اسلامی در جغرافیای جهان اسلام، مصونیت دیگری را برای دفاع در مقابل قدرت نرم و سختی ایجاد کرده که غرب علیه این انقلاب اعمال می‌کند (خرمشاد، ۱۳۹۲: ۲). لایه‌های بعدی به دیگر مناطق جغرافیایی مذهبی دنیا مرتبط می‌شود که با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی همسویی دارد. بیداری اسلامی و متعاقب آن تحولات منطقه‌ای از جمله شکل‌گیری گروه‌های تروریستی حرکت جدیدی بود که در خلال آن، عمق راهبردی جمهوری اسلامی در لایه نخست شکل گرفت. ایجاد عمق راهبردی ایران در کشورهایی مانند عراق، سوریه، لبنان، یمن و بحرین از این منظر قابل تحلیل است. سریع‌ترین و گسترده‌ترین بازتاب انقلاب در این مناطق بوده است. بر این مبنا، جمهوری اسلامی ایران سعی کرد با مدیریت تحولات منطقه عمق راهبردی خود را هر چه بیشتر گسترش دهد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۹۳). ایران مهم‌ترین «دولت پیوندی» و به عبارتی، کانون پیوند چند حوزه ژئوپلیتیکی و دو مخزن بزرگ



انرژی جهان محسوب می‌شود که به دلایل جغرافیایی و تاریخی در تمامی مسائل مهم منطقه از جمله منازعه رژیم صهیونیستی - فلسطین، اشاعه هسته‌ای، تروریسم، امنیت خلیج فارس، انرژی، آینده عراق، سوریه، لبنان و افغانستان از موقعیت محوری برخوردار است (Hadian, 2015: 3). با وقوع انقلاب اسلامی، رقبا و دشمنان منطقه‌ای ایران به منظور محدود سازی اقدامات زیادی انجام داده‌اند، اما تحولات منطقه‌ای از جمله حمله نظامی آمریکا به افغانستان، سقوط صدام در عراق، پیروزی‌های محور مقاومت و وقوع بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، سبب تعمیق نفوذ ایران در غرب آسیا شده است. با وقوع جنبش بیداری اسلامی، عمق راهبردی جمهوری اسلامی بازتولید شد (نجفی و خسروی، ۱۳۹۸: ۳۷-۳۹).

عوامل متعدد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک به‌عنوان متغیرهای تسهیل‌کننده قدرت جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه عمل می‌نمایند. عراق و سوریه از جایگاه ویژه‌ای در سیاست راهبردی ایران برخوردارند. عراق، قلب خاورمیانه عربی است و از نظر ژئوپلیتیکی دو زیرمجموعه حساس شامات و خلیج فارس را به هم وصل می‌کند و می‌تواند به‌طور هم‌زمان در این دو زیر منطقه به ایجاد موازنه پردازد. به‌عنوان مثال، در دوران صدام، عراق در شامات با سوریه و در خلیج فارس با ایران ایجاد موازنه می‌کرد (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۳۰۰). ۹۰۰ مایل مرزهای مشترک ایران و عراق نیز این اهمیت و جایگاه را ارتقا بخشیده است. سوریه نیز از موقعیت محوری در زیرمجموعه شامات برخوردار است (نیاکویی و ستوده، ۱۳۹۶: ۱۵۹). این زیرمجموعه شامل رژیم صهیونیستی و همسایگان عرب آن بوده که ترکیبی از دولت‌ها (مصر، سوریه، لبنان و اردن) و بازیگران غیردولتی (حزب الله، حماس و جهاد اسلامی) را شامل می‌گردد. به‌طور سنتی، سوریه یکی از رقبای رژیم صهیونیستی است ولی هم‌زمان رقیب عراق نیز می‌باشد و در هر دو جنگ خلیج فارس علیه عراق موضع گرفت. سوریه در هر دو رقابت متحد ایران بود (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۰۹ - ۱۰۶). افسون بر این، سوریه تنها متحد وفادار عربی ایران در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و مجرای اصلی کمک‌های مالی و نظامی ایران به حزب الله لبنان و حماس فلسطین از دهه ۱۹۸۰ بوده است (Goodarzi, 2013: 20). موقعیت ژئوپلیتیک سوریه در امتداد مرزهای شمالی رژیم صهیونیستی نیز جایگاه ممتازی به این کشور در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی داده است. سوریه همچنین از طریق فراهم نمودن امکان دسترسی محور مقاومت به سیستم ژئوپلیتیکی غرب آسیا و دریای مدیترانه واجد نوعی عمق راهبردی حیاتی است ( Mazis

128: Sarlis, 2013). مجموعه این عوامل باعث شده است که عراق و سوریه نقشی محوری و راهبردی در محور مقاومت داشته باشند. جیمز روبین معتقد است که طرح جنگ علیه سوریه رابطه تنگاتنگی با طرح جنگ علیه ایران دارد و بخشی از طرح آمریکا - رژیم صهیونیستی برای تضعیف ایران در راستای محافظت از رژیم صهیونیستی است (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۵). سوریه عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود، بنابراین طبیعی بود که با وقوع ناآرامی‌ها در سوریه، ایران به حمایت همه‌جانبه از بشار اسد بپردازد.

### راهبردهای انقلاب اسلامی در تقابل با تروریسم بنیادگرا

مهم‌ترین نماد تروریسم بنیادگرا در یک دهه اخیر داعش بوده است. بر همین اساس راهبردهای انقلاب اسلامی نسبت به تروریسم بنیادگرا با تمایل به رویکرد ایران نسبت به داعش تحلیل می‌شود. راهبردهای انقلاب اسلامی در تقابل با تروریسم بنیادگرا عبارتند از:

#### الف: نقش مستشاری و اقدام نظامی

یکی از مهم‌ترین راهبردهای ایران در تقابل با تروریسم بنیادگرا ایفای نقش مستشاری است (سلامی، ۱۳۹۵). حضور مستشاری ایران در عراق و سوریه قابل تبیین است. در ارتباط با حضور مستشاری ایران در عراق می‌توان اظهارات برخی از دولتمردان آن کشور را مورد مطالعه قرارداد: در سال ۱۳۹۶، ابراهیم الجعفری، وزیر امور خارجه وقت عراق اظهار داشت که «وقتی موصل هدف حمله داعش قرار گرفت، قبل از این‌که جامعه جهانی اقدامی انجام دهد، ایران در کنار ما ایستاد... ملت عراق حمایت‌های مردم و مسئولان ایران در جنگ با داعش را فراموش نخواهند کرد. نچيروان بارزانی نیز این موضوع را تأیید کرد: «زمانی که داعش به کردستان عراق حمله کرد، ایران اولین کشوری بود که به ما کمک کرد (Mustafa, 2019). جمهوری اسلامی ایران همچنین نقش مؤثری در جلوگیری از سقوط شهر اربیل و نفوذ داعش به کردستان عراق داشت. اظهارات ابراهیم الجعفری به وضوح نقش مثبت و سازنده ایران در مناطق کردی، شیعی و سنی نشین عراق را به تصویر می‌کشد: «این‌که ایران مستشارانی در عراق داشته باشد یا از جنبه انسانی به ما کمک کند این خوب خواهد بود و ایران تفاوتی بین مناطق مختلف قائل نشد. زمانی که داعش منطقه مخمور را تهدید کرد و به دروازه‌های اربیل رسید، ایرانی‌ها به کردستان رفتند و امکانات و مشاوره‌های خود را به آن‌ها ارائه دادند» (جعفری، ۱۳۹۳). در همین ارتباط، زانا سعید نماینده کرد عراقی در پارلمان

این کشور معتقد است ایران نه تنها به نیروهای عراقی کمک کرد و مستشاران خود را برای سازمان‌دهی آن‌ها روانه عراق نمود، بلکه مانع از سقوط شهری چون اربیل به دست داعش شد (ایرنا، ۱۳۹۶).

راهبرد ایران در مساعدت‌های مستشاری به ارتش عراق در قالب ارتقای تحرک بسیج مردمی (حشدالشعبی) با نقش بارز شهید سلیمانی با موفقیت همراه بوده است. در عراق حشدالشعبی با ۱۰۰ هزار نیروی رزمنده که ۸۰ درصد آن‌ها توسط ایران پشتیبانی می‌شود. با فتح موصل توسط داعش و ناتوانی دولت مرکزی عراق در رویارویی با آن‌ها، سپاه پاسداران توانست با سامان‌دهی نیروهای شبه‌نظامی حشدالشعبی در کنار پیشمرگه‌های کرد و ارتش عراق پایتخت را از تسخیر داعش نجات دهد. حشد الشعبی یا نیروی بسیج مردمی در ژوئن ۲۰۱۶ با فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی به وجود آمد، زمانی که ارتش عراق از هم‌گسسته بود و داعش مناطق عمده‌ای از استان‌های دیالی، صلاح‌الدین، انبار و نینوا را در اختیار داشت. اگرچه بدنه اصلی این گروه شیعیان بودند اما سنی‌ها و اکراد نیز به آن ملحق، و در آزادسازی تکریت و جرف الصخر مؤثر واقع شدند. در غیاب ارتشی قدرتمند و رسیدن داعش به حومه بغداد حشدالشعبی نقش مهمی در نجات پایتخت ایفا کرد (Chmaytelli, 2017: 2).

در سوریه و عراق، به موازات راهبرد ایران در ارائه کمک‌های مستشاری که سهم مؤثری در مهار تدریجی بحران این دو کشور داشت، جمهوری اسلامی با طرح «دفاع از حرم» میان عوامل سخت و نرم قدرت ملی و منطقه‌ای خود پیوند جدیدی پدید آورد. مدافعین حرم نقش بی‌بدیلی در پیروزی‌های به‌دست‌آمده علیه تکفیری‌ها ایفا کردند. مدافعان حرم اهل بیت یا به‌اختصار و مشهور به مدافعان حرم، نیروهای نظامی هستند که برای مبارزه با تروریست‌های تکفیری در کشور سوریه و عراق از حرم‌های اهل بیت حفاظت می‌کنند. افراد این نیرو بیشتر از کشورهای ایران، افغانستان، عراق، سوریه و لبنان هستند. این تفکر برای همه مردم ایران جاافتاده است که مدافعین حرم، خارج از مرزهای ایران امنیت داخل کشور را تأمین می‌کنند؛ پیش‌ازین که هر حرکت نظامی از سوی تکفیری‌ها به مرزهای کشور نزدیک شود (نظامی پور، شادمانی، اخوان، ۱۳۹۵: ۱۷). نکته بسیار مهم گام فوق‌العاده سپاه پاسداران در گسترش توان همکاری خود در جنگ‌های نامتقارن منطقه‌ای و ایجاد ارتش مقاومت منطقه‌ای بوده است.

**ب: ائتلاف‌سازی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای**

در چارچوب رئالیسم تدافعی همکاری بهترین راه‌حل برای رفع تضاد منافع و اختلافات معرفی می‌باشد، تحرکات ایران در منطقه غرب آسیا، اتحاد با عراق، سوریه و روسیه را می‌توان تلاش برای ایجاد توازن و شکست داعش تعبیر نمود. به تعبیر دیگر، هرگونه تحول منطقه‌ای می‌تواند بر چگونگی توازن قدرت بین کشورهای منطقه غرب آسیا و خلیج فارس تأثیر بگذارد. بنابراین، همان‌طوری که با رفتن بشار اسد از قدرت، قدرت منطقه‌ای ایران کاهش می‌یابد (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۳: ۹۳۶). با ماندن در قدرت هم قدرت ایران حتی اگر افزایش پیدا نکند در وضعیت فعلی باقی می‌ماند. این ائتلاف چهارگانه (شامل ایران، عراق، سوریه و روسیه در مقابل ائتلاف موسوم به ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا تعریف شد و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی به همراه داشت (حقیقی و آرم، ۱۳۹۵: ۵). جمهوری اسلامی کوشید تا با بهره‌گیری از حمایت‌های روسیه به‌عنوان متحد فرا منطقه‌ای ضمن افزایش توان مقابله‌گری خود در سوریه به‌نوعی موازنه ضد هژمونیک را در برابر آمریکا به وجود آورد. در اواسط سال ۲۰۱۵ نیروهای بشار اسد در برابر گروه‌های تکفیری که کنترل شهر حلب را در اختیار داشتند، می‌جنگیدند. باوجود این آن‌ها نیز نیاز به حمایت کشوری قدرتمندتر با امکانات و توانایی‌های قابل‌ملاحظه هوایی داشتند. به همین دلیل در اتفاقی نادر در ژوئیه ۲۰۱۵ سپهد سلیمانی برای گفتگو با ولادیمیر پوتین و کسب حمایت مسکو برای حمایت‌های هوایی از نیروهای تحت هدایتش به مسکو سفر کرد. بر اساس اطلاعاتی که از این جلسه دوساعته منتشر شده است، سپهد سلیمانی کوشیده است تا پوتین را مجاب به حضور جدی‌تر در جنگ داخلی سوریه کند. در نتیجه این سفر، چند هفته بعد روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵ پس از کسب مجوز حضور نظامی در سوریه از مجلس این کشور، حملات هوایی متعددی را بر علیه مناطق اشغال‌شده انجام داد (وزیران، ۱۳۹۹: ۷۷-۷۸).

حمایت پوتین از سوریه هم به معنای بازگشت واقعی روسیه به صحنه بین‌الملل و مهم‌ترین تغییر ژئوپلیتیک این کشور در چند سال اخیر محسوب می‌شود. پوتین که فروپاشی شوروی را یک اشتباه تاریخی می‌داند دیگر حاضر نیست بعد از سقوط نظام‌های وابسته به روسیه (عراق و لیبی) آخرین پایگاه و منطقه نفوذ روسیه در غرب آسیا یعنی سوریه را از دست بدهد (چوگانی و صفری، ۱۳۹۵: ۱۵). ائتلاف ایران، روسیه، سوریه و عراق نشان داد که با تمام توان از سوریه در برابر تروریسم تکفیری و اهداف نامشروع ائتلاف آمریکایی حمایت می‌کند (مسعود نیا و کشتکار، ۱۳۹۹: ۹۲-۹۳). این خاصیت نظام بین‌الملل است که کشورهای همسو را در قبال موازنه قدرت به سمت همکاری و

ائتلاف می‌کشاند اما نه از بابت افزایش قدرت نسبی بلکه به خاطر حفظ وضع موجود است. روس‌ها قصد دارند از گسترش ناامنی و تروریسم به مرزهای خود در ناحیه قفقاز جلوگیری کنند. عراق قصد دارد از ظرفیت و توانایی روسیه برای مقابله با داعش در عراق استفاده نماید. ایران می‌تواند با وجود روسیه علاوه بر شکست داعش، متحد استراتژیک خود، سوریه را حفظ کند.

### ج: عملیات رسانه‌ای ایران علیه تروریسم تکفیری

با توجه به این واقعیت که عملیات رسانه‌ای ضد جبهه مقاومت به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای منطقه‌ای مانند العربیه و الجزیره و الحدث نقش مهمی در آغاز و تشدید بحران در سوریه داشتند، ایران تصمیم گرفت در این عرصه نیز به‌نظام سوریه کمک کند. یکی از اقدامات رسانه‌ای که با اتکا بر اتحادیه رادیوتلوویزیون‌های اسلامی و حمایت‌های فنی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، ایجاد شبکه‌های جدید همانند (الاجباریه) بود. وجود یک شبکه خبری رسمی، آن‌هم در فضای جنگ و بحران، ضرورتی بود که با راه‌اندازی الاجباریه و پس از آن شبکه الدنيا (سما) تا حدی خلأ خبری در سوریه را پر کرد. این در حالی بود که شبکه‌های مقاومت مانند العالم (ایران ۹)، المنار (حزب‌الله لبنان) و المیادین (مستقل، اما همسو با مقاومت) نیز وظیفه اطلاع‌رسانی صحیح از تحولات سوریه و عراق را در سایه رقابت سنگین با شبکه‌های معاند به انجام می‌رساندند. تأسیس شبکه دینی (نور الشام) هم، گام بی‌سابقه دیگری بود که تلاش داشت با رویکرد معتدل دینی به جذب مخاطب خصوصاً در جامعه اهل تسنن پردازد و درعین حال مانع گرایش سوری‌ها به جریانات تکفیری و افراطی شود (شهیدی، ۱۳۹۵: ۱۹۲-۱۹۳). رسانه‌ها و اصحاب رسانه در سوریه تجربه مأموریت‌های رسانه‌ای در شرایط جنگ و بحران را نداشتند. با آموزش کادر رسانه‌ای و خبرنگاران میدانی اعم از مطبوعات، خبرگزاری سانا، شبکه‌های سوری، اداره سیاسی ارتش و نیروهای دفاع وطنی، کار انتقال تجربه با استفاده از مربیان و استادان باتجربه ایرانی صورت گرفت. مستندسازی و تولید فیلم از دیگر اقداماتی بود که در عرصه کار رسانه‌ای در سوریه و عراق انجام شد تا وقایع متعدد و تحولات پیچیده بحران در تاریخ ثبت شود.

تقابل روسیه با تروریسم بنیادگرا

راهبرد مبارزه با تروریسم در روسیه توسط کمیته ملی ضد تروریست موسوم به ناک<sup>۱</sup> که در سال ۲۰۰۶ ایجاد و در سال ۲۰۱۲ با فرمان ریاست جمهوری گسترش یافت، راهبری می‌شود. این کمیته، نقش اصلی در مبارزه با تروریسم را به سرویس امنیتی فدرال داده است. در حال حاضر، ۳۰ گروه در این لیست قرار دارند که در بین آن‌ها، نام‌هایی همچون "اخوان المسلمین"، "الشکر طیبه"، "طالبان"، "داعش"، "جبهه النصره" به چشم می‌خورد. در میان این ۳۰ گروه، ۱۸ گروه از منطقه خاورمیانه، ۸ گروه از منطقه قفقاز، ۳ گروه از منطقه آسیای میانه و یک گروه ژاپنی به چشم می‌خورد. وجود ۱۸ گروه خاورمیانه‌ای لیست شده در ناک که اکثراً دارای ارتباطات مستقیم با گروه‌های فعال در قفقاز هستند، به‌خودی‌خود سطح اهمیت امنیتی خاورمیانه را برای روس‌ها مشخص می‌کند. علاوه بر این، در دکتترین سال ۲۰۱۰، تروریسم و افراط‌گرایی بزرگ‌ترین خطر و تهدید برای ثبات و امنیت روسیه تعریف‌شده بود. بر اساس این دکتترین، هرچند احتمال حمله گسترده نظامی به خاک روسیه کاهش یافته بود، اما در برخی حوزه‌ها مانند تروریسم - با افزایش روبه‌رو بوده است و هدف اصلی این تهدیدات را، ضربه زدن به استقلال، تمامیت ارضی و نقش وحدت ملی برشمرده است (Trenin, 2014). همچنین راهبرد امنیت ملی ۲۳ روسیه که در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ به تأیید پوتین رسید، "فعالیت سازمان‌های تروریستی و افراطی" را پس از فعالیت سرویس‌های جاسوسی کشورهای خارجی در جایگاه دوم لیست تهدیدات امنیت دولتی و عمومی طبقه‌بندی کرده است. رده سوم این جایگاه به فعالیت‌های گروه‌های رادیکال "اختصاص یافته است (بند ۴۳). این سند در ادامه، به تشریح تغییرات اخیر در انواع تهدیدات تروریستی پرداخته و با اشاره به تلاش برای سرنگونی رژیم‌های مشروع" توسط "گروه‌ها و سازمان‌های نوظهور تروریستی که بر خود نام دولت اسلامی گذاشته‌اند"، تقویت نفوذ و دامنه قدرت آنان را ناشی از سیاست معیارهای دوگانه برخی دولت‌ها در زمینه مبارزه با تروریسم اعلام می‌کند (بند ۱۸). سند مذکور همچنین به توصیف تهدیدات امنیتی روسیه از جانب فعالیت‌های جهانی ناتو پرداخته و مدعی است که ایالات متحده و ناتو با یکدیگر به‌منظور تشکیل و تقویت داعش همکاری داشته‌اند. این اتصال میان تهدید تروریسم و خطر امنیت روسیه از طرف غرب به‌مثابه یک دشمن خارجی در چند سند بنیادین دیگر مانند "دکتترین نظامی روسیه" و "سند مفهوم سیاست خارجی روسیه" نیز

۱- NAC

ذکر شده است. یکی از مهم‌ترین محورهای این سند در حوزه سیاست خارجی، مبارزه با تهدید افراط‌گرایی، تروریسم و رادیکالیسم است. در این سند به گروه‌های تروریستی نظیر داعش و علل ظهور آن اشاره شده که ظهور این گروه افراطی و تقویت نفوذ آن، از سیاست استانداردهای دوگانه برخی کشورها در مبارزه با تروریسم نشأت می‌گیرد. در این سند، کماکان مسئله اساسی روسیه در خاورمیانه، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی است (بهمن، ۱۳۹۶: ۴۴).

علاوه بر این، در سند تدبیر سیاست خارجی روسیه که در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶ به تأیید پوتین، رئیس‌جمهور روسیه رسید، به گسترش تروریسم در خاور نزدیک اشاره شده و تروریسم بین‌المللی را به‌عنوان یکی از خطرناک‌ترین تهدیدات برشمرده است. در باب تروریسم در بند ۱۴ ترجمه موسسه ایراس چنین آمده است: تروریسم بین‌المللی یکی از خطرناک‌ترین واقعیات دنیای امروز است. انتشار افکار افراط‌گرایانه و فعالیت‌های سازمان‌های تروریستی در مناطق متعدد در وهله اول در خاورمیانه و آفریقای شمالی که در نتیجه فرآیندهای جهانی‌شدن مشکلات سیستماتیک و یا در نتیجه دخالت خارجی شکل گرفته‌اند، منجر به تخریب سازوکارهای سستی مدیریت کشور و تأمین امنیت و همچنین گسترش غیرقانونی سلاح و مهمات شده است. ارزش‌های ایدئولوژیک و نسخه‌های مدرن سازی سیستم سیاسی حکومت‌ها که از بیرون تجویز و تحمیل می‌شوند، واکنش منفی جامعه را نسبت به چالش‌های امروز برانگیخته است. این جریان‌ها به ابزاری در دست گروه‌های افراطی تبدیل شده و با تکیه بر تحریف ارزش‌های دینی، همه را به استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز برای دستیابی به اهداف سیاسی و یا رقابت‌های قومی و دینی خود می‌کشاند.

در ادامه در بند ۱۵ این سند آورده شده است: با ظهور سازمان تکفیری «داعش» و تشکیلات مشابه آن که قساوت و بی‌رحمی را به بالاترین حد خود رسانده و داعیه تشکیل حکومت و بسط نفوذ خود بر مرزهای جغرافیایی سواحل آتلانتیک تا پاکستان را دارند، تهدیدهای تروریستی شکل تازه‌ای به خود گرفته است. در مبارزه با تروریسم، باید تشکیل ائتلاف بین‌المللی مقابله با تروریسم بر مبنای قوانین و موازین موجود و تعاملات مؤثر و سیستماتیک حکومت‌ها را محور کلیدی قرار داده، بدون سیاسی کردن مسئله و یا استفاده از استانداردهای دوگانه، از امکانات جوامع مدنی به‌طور مطلوب بهره گرفته و مانع از انتشار تروریسم و افراط‌گرایی و یا انتشار ایده‌ها و افکار رادیکال در جوامع شد (متن کامل سند تدبیر سیاست خارجی روسیه ۲۰۱۶: ۲۱). همچنین طبق قانون فدرال مصوب ۶ مارس ۲۰۰۶، به دولت روسیه این اجازه داده شده است که در مقابله با

تروریسم از نیروی مسلح استفاده کرده و این مبارزه، می‌تواند در خارج از مرزهای جغرافیایی نیز صورت گیرد.

بر اساس آنچه گفته شد، مبارزه علیه تروریسم، یکی از قسمت‌های سیاستی امنیتی است که روسیه، هر نوع قابلیت ضروری مقابله با آن و چگونگی برخورد با آن را در اختیار داشته و سرویس‌های متبحری را به‌منظور پاسخ به این نیاز خود یافته و ساخته است. اما در شرایطی که قدرت سخت روس‌ها به کار نیاید، مقابله با تروریسم، از ضعف‌های اصلی آن‌ها تلقی می‌شود. روسیه با دو نوع تروریسم خانگی و تروریسم بین‌المللی مواجه شده است و سیاست ضد تروریسم آن‌ها در کنار حذف موارد بی‌شماری از حملات تروریستی و تولید امنیت قابل قبول، چالش‌های امنیتی دیگری را در محیط داخلی ایجاد کرده و تنش قابل ملاحظه‌ای را در روابط با غرب به‌خصوص اتحادیه اروپا- تزیق کرده است (Baev, 2018).

رهبران روسیه، تهدیدات تروریستی را جدی گرفته و تبلیغات گسترده‌ای را برای از بین بردن نفوذ این گروه‌ها میان اقشار مختلف مردم متمرکز کردند. ولادیمیر پوتین به‌وضوح انتظار داشت که ایجاد ساختارهای قانونی با تخصیص بودجه‌های قابل قبول به‌منظور مبارزه با تروریسم که آغاز آن از پاییز ۱۹۹۹ قبل از اولین دوره ریاست جمهوری انجام شد، برای او پیروزی قانع‌کننده‌ای را به دست خواهد آورد. اما این پیروزی ناکام ماند و انفجار انتحاری در سنت پترزبورگ با ۱۴ کشته و ۴۵ زخمی نشان داد که تروریسم در حال بازگشت به سرزمین تزارها است. جهش خطرناک تهدیدات داخلی، منجر به وضعیت اضطراری جدیدی شد که در نتیجه، مسیری را به‌منظور پیشنهادات حول محور همکاری‌های ضدتروریستی مشترک با اروپا راه‌گشایی کرد؛ مسیری که از آغاز بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ به افول گراییده بود.

### راهبردهای روسیه در تقابل با تروریسم بنیادگرا

راهبردهای روسیه در تقابل با تروریسم بنیادگرا عبارتند از:

#### الف: تقابل نظامی با سلفی‌گرایان روسی در خاورمیانه (سوریه)

حضور روسیه در خاورمیانه در واقع در پاسخ به قسمتی از نیازمندی‌های امنیتی این کشور به‌منظور کاهش تهدیدات بالقوه در نزدیکی مرزهای خود در محیط پسا شوروی تلقی می‌شود. این مسئله از زمان تقابل با غرب در زمین اوکراین حیاتی شد. تنش با اروپا و آمریکا در اوکراین نیازمند



صرف توجه و منابع بسیار بود. در نتیجه، اهمیت این نکته روشن شد که دیگر چالش‌های خارجی، نباید حواس نخبگان روس را پرت کند. از همان ابتدای اعتراضات یورو میدان در اواخر سال ۲۰۱۳، مقامات روسیه نگران آن بودند که آیا می‌توانند به‌صورت هم‌زمان با بحران اوکراین و هم‌چنین چالش‌های مربوط به سلفی‌های روسی و اوراسیایی در سوریه و عراق مقابله کنند یا خیر.

حکومت روسیه از حضور جنگجویان روس زبان در میدان‌های نبرد سوریه در جبهه معارضه غیر اسلامی و اسلامی واهمه داشت. بر اساس گزارشات دستگاه‌های اطلاعاتی روسیه، تا اوایل سال ۲۰۱۳، حدود ۲۵۰ نفر که احتمالاً علیه دولت سوریه می‌جنگیدند، در این کشور حضور داشتند. این تعداد تا سال ۲۰۱۵، به حدود ۲۰۰۰ نفر - معادل ۲۰ درصد کل جنگجویان خارجی در سوریه - افزایش یافت؛ مسئله‌ای که به‌شدت مقامات روس را نگران می‌کرد (Matlack, 2015). این عدد در برگیرنده حدود ۱۸۰۰ نفر از اهالی قفقاز شمالی شامل ۱۵۰۰ نفر چچنی و ۲۰۰ نفر داغستانی می‌شود. در اوایل سال ۲۰۱۶، این رقم کماکان رو به افزایش بوده و تعداد روس زبانان حاضر در سوریه و عراق به رقمی حدود ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر رسیده است (China's crude oil imports (hit record in April, 2018).

البته تمام روس زبانان مستقیماً از روسیه به سوریه و عراق نرفته‌اند. اکثر چچنیها از اروپا، ترکیه، گرجستان و آذربایجان وارد این مناطق شدند؛ جایی که آن‌ها یا والدین آن‌ها در اثر آزار و اذیت‌های حکومت روسیه ناشی از جنگ‌های اول (۱۹۹۶-۱۹۹۴) و دوم (۲۰۰۱-۱۹۹۹) چچن بدان جا پناه برده بودند. بسیاری از چچنی‌ها از منطقه‌ای به نام دره پانکیسی در گرجستان همانند ابو عمر الشیشانی، یک چچنی داعشی معروف به سوریه رفته بودند (Ivan Campbell, 2012).

توانمندی‌های جنگجویان روس زبان که معمولاً به گروه وابسته به القاعده در سوریه، یعنی هیئت تحریر الشام و داعش متصل بودند، در میدان‌های نبرد به اثبات رسیده بود. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که شورشیان روس زبان، این گروه‌ها را نهضت خود نمی‌انگاشتند. برای آن‌ها، جنگ داخلی در سوریه تمرینی به‌منظور کسب تجربه و آمادگی برای نبرد اصلی با روسیه در زمین خودی تلقی می‌شد. مسئله‌ای که اتفاقاً نگرانی اصلی رهبران روسیه را تولید می‌کرد. تصمیم سازان و نخبگان روسیه نگران دامنه گسترده ملیت‌ها از روسی تا کشورهای حوزه شوروی در میان گروه‌های سلفی بوده و هستند (Kozhanov, 2018). حضور جنگجویانی از مناطقی مانند ولگا و تاتارهایی از جماعت بلغار ۳۸ بدین معنا بود که درگیری‌های سوریه، افرادی از مناطقی به‌مراتب

نزدیک‌تر از قفقاز شمالی به مسکو را درگیر خود کرده است. در نتیجه، سوریه می‌توانست نقش زمینی را برای هم‌افزایی و اتصال شبکه‌های مختلف گروه‌های افراطی با ملیتی از روسیه و کشورهای مشترک‌المنافع بازی کند. هم‌چنین تعداد داوطلبانی که از جمهوری آذربایجان و کشورهای آسیای میانه به گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه می‌پیوستند نیز قابل توجه بود (Shiriyev, 2014).

سلفی‌های روس که در گذشته پراکنده و به‌دوراز هم بودند، با جنگ داخلی سوریه خود را یگانه و متحد و بانگیزه‌های واحد یافتند. علاوه بر این، آن‌ها روابطی را با دیگر سازمان‌های تروریستی بین‌المللی پایه‌گذاری کرده و قسمتی از شبکه افراطی جهانی شدند. کارشناسان و مقامات روس بر این عقیده بودند که آن‌ها از ارتباطات درونی خود برای بسط تجارب تروریستی علیه حاکمیت روس در زمان بازگشت به روسیه استفاده خواهند کرد. در سال ۲۰۱۳، اصلی‌ترین گروه رادیکال در قفقاز شمالی امارت قفقاز - اعضای خود را به حضور در سوریه تشویق می‌کرد؛ آن‌ها بر این عقیده بودند که این جنگ، تمرین خوبی برای نبرد اصلی با مسکو خواهد بود (Karina, 2014). این سری واقعیات، روس‌ها را مجبور به اتخاذ رویکرد مناسب علیه تروریسم در خاورمیانه کرد؛ رویکردی که زمین سوریه، نمود بارز آن قرار داشت.

با توجه به بند ۱۵ سند تدبیر سیاست خارجی روسیه ۲۰۱۶ می‌توان چنین استنتاج کرد که یکی از اصول روسیه در مبارزه با تروریسم، تلاش برای ایجاد ائتلافی بین‌المللی به‌منظور تحقق هدفی مشترک یعنی نابودی تروریسم - می‌باشد. شکل‌دهی ائتلافی با چند کشور اگر واقعی باشد، در این مسیر از هزینه‌های روسیه کاسته و درصد تحقق آن را احتمالاً افزایش خواهد داد. البته این مسئله بدین معنا نیست که اگر ائتلافی تشکیل نشود، روسیه دست از حرکت در این مسیر بر خواهد داشت.

### ب: تقابل با تروریسم و افراط‌گرایی در قفقاز

شاید بتوان گفت که عمده‌ترین نگرانی امنیتی روس‌ها در جنوب، مسئله قفقاز است که شامل حوزه "جدایی طلبی" و "تروریسم و افراط‌گرایی" می‌شود. آن‌ها طی سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ در گرجستان و در مسئله جدایی‌طلبی آبخازیا و اوستیای جنوبی به‌صورت مستقیم درگیر شدند. طبعاً شکل‌گیری جنگی داخلی در جنوب منطقه قفقاز - یعنی کشور سوریه و عراق که اتفاقاً دارای اصلی‌ترین انگیزه‌های مذهبی است و از سمت دیگر، وجود زمینه‌های پررنگ گرایشات سلفی در این منطقه، نخبگان روس را وارد مرحله‌ای جدید از نگرانی‌های امنیتی کرد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که اگر جنگ داخلی در سوریه با موفقیت معارضین و تکفیری‌ها پایان یابد و دولت سلفی در این منطقه

پایه‌گذاری شود، مسلماً در جنوب کشور خود و پس از آن، در داخل مرزها با امواج جدیدی از تروریسم تکفیری با اهداف مذهبی - به‌علاوه تروریسم سیاسی با اهداف سیاسی علیه حکومت مواجه خواهند شد. روسیه، چین و کشورهای آسیای میانه تمایل زیادی برای تفسیر هرگونه مخالفت سیاسی به‌عنوان مخالفت رادیکال و درنهایت تروریسم دارند. البته این تمایل آن‌ها بدون تجارب تاریخی به دست نیامده است. آن‌ها بر این باورند که امنیت، محصولی است که در چارچوب ثبات تولید می‌شود. این ثبات مشخصاً از طریق حفظ ساختارهای موجود، مخالفان سیاسی محدود و تحت کنترل و افزایش اقتدار مرکزی حاصل می‌شود (Olga Oliker, et.al., 2009).

بر اساس داده‌های پایگاه داده‌های تروریسم جهانی، روسیه در سال ۲۰۱۲ با ضریب ۶۰۶۳ در ردیف هشتم کشورهای متأثر از تروریسم جای گذاری شده است. در همین سال، در ردیف اول کشور عراق با ضریب ۹ قرار دارد. در میان ۱۰ رتبه اول، کشورهای عراق، یمن، پاکستان، افغانستان از خاورمیانه و غرب آسیا، هند از آسیای جنوبی، سومالی و نیجریه از آفریقا و تابلند و فیلیپین از شرق آسیا حضور دارند. در سال ۲۰۱۸، جایگاه روسیه با ضریب ۵۰۲۳ از هشتم به ۳۴ ام بهبود یافت که با وجود بحران امنیتی در سوریه و عراق، نشان‌دهنده موفقیت راهبرد ضد تروریسم این کشور است. کماکان عراق با ضریب ۹۰۷۵ در صدر جدول قرار دارد و ۴ کشور از ۱۰ کشور اول، در خاورمیانه قرار دارند (Global Terrorism Index, 2019).

یکی از مهم‌ترین اصول سیاست روسیه در قبال تروریسم، در نقطه خفه کردن آن است. روس‌ها معمولاً پاسخ عملیات‌های تروریستی چچنی‌ها و قفقازی‌ها را در منطقه خودشان می‌دهند. به نظر می‌رسد که این رویه در مورد تروریسم خاورمیانه که اتفاقاً دارای اشتراکات بسیاری با تروریسم قفقازی هست، صادق باشد. روسیه به‌منظور جلوگیری از بسط تروریسمی که بیش از دو دهه از آن زخم‌خورده، تلاش می‌کند که در خاورمیانه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین زمین‌های رشد و گسترش تروریسم - آن‌ها را سرکوب نماید.

یکی از عواملی که این انگیزه روس‌ها را تقویت می‌کند، حضور افراد بسیاری از قفقاز در سوریه و عراق و اعلام آن‌ها مبنی بر قصد بازگشت به وطن برای پیوستن به نبرد اصلی با مسکو است. بر اساس آنچه که در صفحات قبل گذشت، روسیه در خاورمیانه با هرگونه تغییر پیش‌بینی‌نشده مخالفت است. تروریسم جدای از تهدیدات ذاتی خود برای روسیه، یکی از ابزارهایی است که بعضاً به‌منظور فشار بر یا تغییر اساس رژیم‌ها مخصوصاً در منطقه به کار می‌رود.

بنابراین شاید بتوان گفت که روسیه در هر نقطه از خاورمیانه با هر طیفی از تروریسم مخالف بوده و آن را محکوم می‌کند. آن‌ها، سال‌ها در جریان اشغال افغانستان با نوعی از گرایش‌های اسلامی که توسط ایالات متحده پشتیبانی می‌شد، مواجه شدند که اتفاقاً وجود همین گرایش باعث شکست شوروی در رسیدن به اهداف خود و عقب‌نشینی از خاک افغانستان شد (Taylor, 2014). روسیه بارها از تروریسم و گروه‌های تروریستی که بعضاً مورد حمایت دشمن راهبردی خود ایالات متحده آمریکا بوده‌اند، زخم‌خورده است و مانند آمریکا نتوانسته از این گرایش، استفاده ابزاری کند؛ چراکه بازی با آتش در نهایت ممکن است روزی گریبان بازیگر را بگیرد. کما این‌که اروپا و آمریکا نیز بارها مورد حملات گروه‌های تروریستی‌ای که روزی باهم همکاری داشته‌اند، قرار گرفته‌اند.

یکی از برداشت‌هایی که برخی کارشناسان عمدتاً غربی از جنگ سوریه که یک سمت آن کشورها و شبه‌نظامیانی سنی حضور داشته و سمت دیگر آن، ایران و گروه‌های شیعه حضور دارند. این است که این نبرد، کشاکشی مذهبی میان دو طیف عمده اسلامی است. البته که گروه‌هایی نظیر داعش و جبهه النصره، نماینده اهل سنت نیستند، اما برخی کشورهای عرب سنی منطقه بدان دامن می‌زنند. این ملاحظه مهم، روسیه بر آن می‌دارد که بنا به طیف منافع خود در خاورمیانه و در جهت تلاش برای پیشبرد راهبرد ضد تروریسم خود، ناپیوستگی در قالب مدافع شیعه علیه سنی قرار گیرد که اگر چنین شود، احتمالاً در معرض حملات تروریستی بیشتری از جانب گروه‌های تروریستی سنی قرار خواهد گرفت و در ادامه ممکن است روابط روسیه با کشورهای سنی دچار چالش شود. با توجه به این‌که تمام گروه‌های اسلامی شناسایی شده از سوی ناک، از مذهب تسنن هستند، روسیه مجدانه به دنبال اعلام این سیاست است که میان گروه‌های تروریستی سنی با جامعه و مردمان سنی تفاوت قائل است. یکی از اصولی که روسیه از ابتدای حضور در سوریه همواره آن را ملاحظه می‌کند، این است که این امر به‌عنوان دفاع از شیعیان تلقی نگردد. احتمالاً یکی از دلایل تقویت روابط گسترده میان روسیه و کشورهای عرب سنی نیز همین نکته باشد. آن‌ها پس از فروپاشی شوروی، سیاست خارجی سکولار خود را در مناطق مختلف مانند خاورمیانه پیگیری کردند.

روس‌ها نگران گسترش اسلام رادیکال در منطقه قفقاز به‌خصوص جمهوری‌های مسلمان‌نشین این منطقه مانند چچن هستند. گسترش بحران تروریسم رشد یافته در زمینه‌های مذهبی می‌تواند انگیزه‌های جدایی‌طلبی و مقابله با حکومت مرکزی را تقویت کند. مسئله جدایی‌طلبی هم برای همه حکومت‌ها، مسئله‌ای استراتژیک تلقی می‌گردد و هیچ حکومتی در باب مسائلی که به استقلال و

حاکمیت خود ضربه بزند، با مسامحه برخورد نکرده و با جدیت و گاه با خشونت واکنش نشان می‌دهد. بنابراین، به نظر می‌رسد که یکی دیگر از دلایل این راهبرد روسیه به خاطر تأثیر مستقیم رشد گروه‌های تروریستی در خاورمیانه بر امنیت و تروریسم در قفقاز بوده باشد و آن‌ها این سیاست خود را در جهت نابودی اشکال مختلف تروریسم تنظیم کرده‌اند.

### ج: همکاری منطقه‌ای

یکی از مؤلفه‌های سیاست روسیه در تقابل با تروریسم بنیادگرا، حمایت از ساختار دولت‌ها و حکومت‌های موجود در مقابل مداخله خارجی و شورش داخلی است که در واقع، دنباله اصل حمایت از ثبات در این منطقه است. در نگاه روس‌ها، تغییر، صرفاً بایستی از طریق سازوکارهای قانونی موجود و پیش‌بینی شده انجام گرفته و نبایستی این امر به وسیله خیزش‌های مردمی پیگیری گردد. روسیه، غرب را در قبال وضعیت نا به سامان خاورمیانه مسئول دانسته و مدعی است که مداخله غرب در عراق و لیبی، فاجعه‌آفرین است (Kremlin, 2015). در مقابل، روسیه حمایت خود را از اصل اساسی حمایت از حاکمیت قانونی دولت‌ها مطابق با حقوق بین‌الملل ادامه داده و مخالف هرگونه مداخله خارجی است. تحقق این امر نیازمند همکاری با کشورهای همسو در مبارزه با تروریسم است. روسیه در حال حاضر می‌کوشد تا با نزدیکی بیشتر به ایران بتواند در منطقه ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک خاورمیانه نفوذ کند (آدمی و آخرالدین، ۱۳۹۲). حفظ روابط با ایران در شرایط کنونی تحت هر عنوانی برای روسیه یک ضرورت به حساب می‌آید زیرا این کشور تلاش دارد با کارت برنده ایران در مقابل آمریکا و اتحادیه اروپا امتیاز بگیرد روسیه مرزهای امنیتی خود را همان مرزهای سابق اتحادیه جماهیر شوروی دانسته و با همین تفکر توانسته است قلمرو استراتژیک سابق را تا حدودی احیا کند و در همین راستا می‌کوشد تا با نزدیکی به ایران، با غرب به ستیزه‌جویی برخیزد. در نگرش نظریه‌پردازان روسیه، همواره این بیم و هراس وجود دارد که کشورهایی مانند ایران و ترکیه، با برقراری ارتباط با جهان غرب و آمریکا به جمع محاصره کنندگان این کشور بیبوندند به همین منظور و با توجه به ادراک عمومی مردم و نخبگان روسیه در چگونگی تعامل با ایران، نشانه‌هایی از عمل‌گرایی راهبردی در برخورد با جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود عمل‌گرایی راهبردی نشانگر الگویی می‌باشد که بازیگران مسلط تلاش دارند تا اهداف امنیتی خود را از طریق سازوکارهای معطوف به موازنه‌گرایی، ائتلاف، همکاری و یا تعارض با بازیگران منطقه‌ای پیگیری نمایند (پوستین چی، ۱۳۹۸: ۱۳۵). در ماده ۹۴ سند راهبردی

روسیه که در سال ۲۰۱۶ میلادی مجدداً تبیین گردیده است آمده است «روسیه خط‌مشی توسعه همه‌جانبه همکاری با جمهوری اسلامی ایران را دنبال می‌کند...». در خصوص تلاش بریا همکاری منطقه‌ای برای مقابله با تروریسم بنیادگرا، مواضع کشور روسیه را تا حدی می‌توان نزدیک به مواضع ایران دید (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: ۵۹). جلوگیری از انتشار تروریسم تکفیری در خاک روسیه یکی از انگیزه‌های این کشور برای اقدام نظامی در سوریه بود. البته یکی از دلایل دیگر، کاهش حضور آمریکا در خاورمیانه است. هنگامی که آمریکا ائتلاف بین‌المللی ظاهری ضد تروریسم را در منطقه ایجاد کرد به نحوی قصد دور زدن شورای امنیت و روسیه را داشت تا یکی از اهرم‌های فشار مسکو، یعنی حق وتوی آن را از او سلب کند و اگر توانست این را به یک‌رویه جدید بین‌المللی تبدیل کند تا در آینده چین و روسیه نتوانند مزاحمتی برای آمریکا ایجاد کنند. با این اقدام روسیه توانست پاسخی به سنت‌شکنی آمریکایی‌ها بدهد.

### نتیجه‌گیری

تروریسم بنیادگرا، نگرانی مشترک دو کشور روسیه و ایران البته با درجات مختلف اهمیت است. اندیشه تروریسم بنیادگرا بیانگر این نکته است که ارزش‌ها در یک بستر عقلانی، اندیشه‌ی سیاسی را تشکیل نداده‌اند و بیشتر چارچوب فکری آنان را متأثر از حافظه‌ی تاریخی کرده که جایگاهی برای عقل‌گرایی و خردورزی مدنی در جامعه تعریف نمی‌کند و بر خشونت و تقابل کاملاً خشن با مخالفان اصرار دارد. نتایج نشان داد که تروریسم بنیادگرا هم برای انقلاب اسلامی و هم برای روسیه از منظر امنیت ملی و ثبات منطقه‌ای نوعی تهدید جدی است. تروریسم بنیادگرا برای انقلاب اسلامی تهدید ایدئولوژیک نیز محسوب می‌شود زیرا رویکرد تکفیری گروه‌های تروریستی بنیادگرا، تشیع و انقلاب اسلامی به عنوان برآمده از اندیشه‌های شیعی در حکومت‌داری کاملاً در تضاد بوده و قتل شیعیان را مباح می‌دانند. همین رویکرد و دیدگاه تروریسم بنیادگرا، تهدیدی وجوی علیه انقلاب اسلامی است. تروریسم بنیادگرا برای روسیه نیز تهدید تلقی می‌شود. از دید روسیه بسیاری از رهبران و افراد شبهه‌نظامی گروه‌های تروریسم بنیادگرا؛ متشکل از افراطیون و بنیادگرایان جمهوری‌های چین اینگوش در روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی بوده و تقویت آن‌ها و بازگشت به سرزمین‌هایشان، امنیت ملی روسیه را به خطر خواهد انداخت. در همین حال، روسیه هرگونه تغییر حکومت در کشورهای غرب آسیا به‌خصوص سوریه و عراق

را دخالت غرب در امور داخلی این کشورها دانسته و تروریسم بنیادگرا را مورد حمایت مالی و لجستیکی و دیپلماتیک کشورهای عربی و غربی حتی آمریکا می‌داند که هدف آن تغییر حکومت در برخی کشورهای منطقه و تقویت گروه‌های تروریستی در جمهوری‌های اطراف روسیه می‌داند. در خصوص راهبردها نیز باید گفت که تقابل نظامی و ائتلاف و همکاری منطقه‌ای از مهمترین وجوه مشترک راهبردهای روسیه و انقلاب اسلامی در تقابل با تروریسم بنیادگراست. انقلاب اسلامی برای مقابله با تروریسم بنیادگرا، توجه به سازوکارهای راهبردی و در نتیجه امنیت سازی منطقه‌ای را در پیش گرفت. با توجه به الزام حضور ایران در مقابله با جریان تروریسم بنیادگرا، ایران با حضور نظامی در قالب عملکرد مستشاری در سطوح مختلف راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی و فنی، در همکاری نظامی با روسیه موفق به پاک‌سازی مناطق گسترده سوریه و عراق و بازپس‌گیری مناطق اشغال‌شده توسط تروریسم بنیادگرا شده است. روس‌ها از طریق سازوکارهای امنیتی مشخصی که با همراهی کشورهای جمهوری اسلامی ایران، عراق و سوریه ایجاد کرده‌اند، می‌کوشند تا فعالیتهای تروریستی را در نظر گرفته و آن را در مراحل اولیه کنترل کنند. روسیه تلاش خواهد کرد تا نفوذ شکل گرفته خود را که از طریق مداخله در سوریه شکل گرفته، حفظ کرده و آن گسترش دهد. این بسط نفوذ، هم زمان با ادامه تحکیم شرایط امنیتی و در حوزه‌های اقتصادی، نظامی، انرژی و سیاسی دنبال خواهد شد. روسیه در سال‌های آینده تلاش خواهد کرد تا ارتباط خوبی را با اسلام غیر رادیکال برقرار نموده و با نگرش‌های افراطی از اسلام، مقابله کند.

## کتابنامه

- ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب (۲۰۰۳) *السیاسه الشرعیه فی اصلاح الراعی و الراعیه*، راجعه و علق علیه محمد عبدالله السبحان، مدینه المنوره، المکتبه العلمیه.
- افتخاری، اصغر و شبستانی، علی (۱۳۹۰). «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم»، فصلنامه آفاق امنیت، ۴(۱۲): صص ۳۶-۵.
- آدمی، علی و آخر الدین، مهری (۱۳۹۲). «سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه: ریشه‌ها، اهداف و پیامدها (۲۰۱۱-۲۰۱۲)»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۹(۲۲): صص ۴۷-۷۰.
- آقایی، احمد و احمدیان، حسن (۱۳۸۹). «روابط ج.ا.ا و عربستان سعودی: چالش‌های بنیادین و امکانات پیش رو»، فصلنامه سیاست، ۴(۲۰): صص ۱۳-۱۵.
- بابی، سعید (۱۳۹۰). *هراس بنیادین اروپا مداری و ظهور اسلام‌گرایی*، چاپ سوم، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت‌ها (ساختار و امنیت بین‌الملل)*، چاپ اول، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهمن، شعیب (۱۳۹۶). *توافق سلیمانی-پوتین*، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- پوستین چی، زهره (۱۳۹۸). «چندجانبه‌گرایی تهاجمی ترامپ در کنش راهبردی ناتو»، فصلنامه سیاست جهانی، ۶(۱): صص ۱۴۸-۱۳۵.
- جعفری، ابراهیم (۱۳۹۳). «هیچ مانعی برای حملات ایران علیه داعش در عراق وجود ندارد»، خبرگزاری تنسیم، ۱۷ آذر.
- جعیط، هشام (۱۳۸۱). *بحران فرهنگ اسلامی*، چاپ اول، ترجمه سید غلامرضا تهامی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- چوگانی، حسن و صفری، فاطمه (۱۳۹۵). «تحلیل میان تجارت بین‌المللی و رژیم‌های زیست‌محیطی با تأکید بر پروتکل کیوتو»، فصلنامه مطالعات حقوق، ۱(۱۳): صص ۱۵-۲۶.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸). «هلال شیعی: فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، فصلنامه دانش سیاسی، ۵(۱): صص ۱۹۳-۲۰۰.
- حقیقی، محمد و آرم، ابراهیم (۱۳۹۵). «نقش ایران در تحولات سوریه (سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۶)»، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۲(۴): صص ۵-۱۳.



خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۶). «عراق-ویرانه های به‌جامانده از داعش در موصل»، تیرماه.

خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۳). «گزارش تحلیلی السفير از ورود نظامی روسیه به جنگ سوریه»، در دسترس در سایت <http://www.tasnimnews.com/fa/news>

خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۲). «تحول و تطور علم سیاست در آمریکا و فرانسه»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲(۶): صص ۳۷-۹

رحیم‌پور، علی (۱۳۸۱). «تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه و ایران»، فصلنامه سیاسی و اقتصادی، ۱۸۴(۱): صص ۵۹-۶۷.

رنجبر، مقصود (۱۳۹۴). «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سلامی، حسین (۱۳۹۴)، «هنوز مانده تا انبارهای موشکی مدرنمان را نشان دهیم»، <https://www.Hamshahrionline.ir>

شهیدی، فرزانه (۱۳۹۵). نبرد با پسران امیه (نقش نیروی قدس در شکست تروریسم سوریه)، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

عبدالله خانی، علی (۱۳۹۰). امنیت منطقه‌ای خاورمیانه (رویکردها و الزامات)، چاپ اول، تهران، انتشارات عالی دفاع ملی.

فتاحی، محبوبه (۱۳۹۳). «نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران و تروریسم در نظام بین‌الملل» بعد از ۱۱ سپتامبر راهبردها و رویکردها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان، شهریور.

فقیهی، سید روح‌الله (۱۳۹۳). تفکرات شیطنانی در نقاب اسلام، چاپ اول، قم، مجله دانشگاه پیام نور.

فیرحی، داود (۱۳۸۹). «ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی-اجتماعی گرایش به آن»، ماهنامه مهرنامه، ۱(۲): صص ۱۰۸ - ۱۱۲.

مستقیمی، بهرام (۱۳۸۹). «مبانی و مفاهیم اسلام سیاسی القاعده»، فصلنامه سیاست، ۴۰(۳): صص ۳۳۷-۳۵۵.

مسعود نیا، حسین و کشتکار، ابوطالب (۱۳۸۹). «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش در منطقه غرب آسیا»، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۴(۳): صص ۹۲-۹۳.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ سوم، تهران، سمت.

- مولانا، ضیاءالرحمن. (۱۳۶۹). *السند و البدعه فی الضوء الشرع، جماعه الآخره الاسلامیه لاهور*. میر، ایرج (۱۳۹۰). رابطه‌ی دین و سیاست، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- نجات، سید علی و جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۳). «نقش قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه (۱۳۹۳ - ۱۳۹۰)»، نشریه مطالعات خاورمیانه، ۷۵(۱): صص ۹۴۵-۹۳۶.
- نجفی، سجاد و خسروی، علیرضا (۱۳۹۸). «مؤلفه‌های افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش»، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۲(۴۳): صص ۳۷-۳۹.
- نظامی پور، قدیر؛ شادمانی، مهدیه و اخوان، منیژه، (۱۳۹۵). «ارزیابی چگونگی راهبرد نوین مستشاری ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری در سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی، ۵(۱۸): صص ۱۷-۳۳.
- نظری، علی اشرف (۱۳۸۷). «غرب و هویت اسلام سیاسی: تصورات و پنداشته‌ای غرب از اسلام»، فصلنامه سیاست، ۳۸(۱): صص ۳۳۴-۳۱۷.
- نظمی، ندا (۱۳۸۵). «جریان شناسی فکری القاعده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- نیاکویی، سید امیر و ستوده، علی‌اصغر (۱۳۹۴). «تأثیر منازعات داخلی عراق و سوریه بر مجموعه امنیتی خاورمیانه (۲۰۱۱-۲۰۱۵)» فصلنامه راهبردی پژوهش‌های سیاست، ۴(۱۵): صص ۱۵۹-۱۶۶.
- وزیریان، امیرحسین (۱۳۹۹). «نیروی مستشار انقلاب اسلامی و تحول در سیاست منطقه‌ای ایران ۲۰۰۳-۲۰۲۰»، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۳(۴۹): صص ۷۷-۸۷.
- هوشنگی، حسین (۱۳۹۰). «نقش مدرنیته در توسعه بنیادگرایی در جهان اسلام»، نشریه دانش سیاسی، ۶(۱): صص ۱۸۱-۲۱۰.

- Baev Pavel K. (2018). *From Chechnya to Syria: The Evolution of Russia's Counter-Terrorist Policy*. Russie. Nei. Visions. The Institut français des relations internationales (IFRI).
- Campbell I. (2012). *Thomas Wheeler, Larry Attree, Dell Marie Butler, Bernardo Mariani, China and Conflict-Affected States: Between Principle and Pragmatism*, London, Saferworld.
- China's crude oil imports hit record in April, fuel exports jump on-yr, (2018). <https://www.reuters.com/article/china-economy-trade-oil/update-1-chinas-crude-oil-imports-hit-record-in-april-fuel-exports-jump-on-yr-idUSL3N1SF26A>.

- Chmaytelli M. (2017). Abadi defends role of Iranian\_backed paramilitaries at meeting with Tillerson, Reuters, October 23.
- Global Terrorism, (2019). Index world map. <http://globalterrorindex.org>.
- Goodarzi J. (2013). Iran: Syria as the first line of defence, in: Julien Barnes-Dacey and Daniel Levy, The Regional Struggle for Syria, European Council on Foreign Relations (ECFR). P; 20.
- Hadian N. (2015), Iran Debates Its Regional Role, Atlantic Council, P; 3. [http://www.todayszaman.com/columnist/zaur-shiriyev/who-are-syrias-azerbaijani-fighters-1\\_336708.html](http://www.todayszaman.com/columnist/zaur-shiriyev/who-are-syrias-azerbaijani-fighters-1_336708.html).
- Karina Y. (2014). Tsentralno aziatskiye Boyeviki v Sيريyskom. Konflikte. <http://radiotochka.kz/4113-html>
- Kozhanov N. (2018). Russian Policy Across the Middle East, Chatham House.
- Kremlin F. (2019). Президент утвердил новую редакцию Военной доктрины. 2019. <http://www.kremlin.ru/events/president/news/47334.2014>
- kremlin Vladimir P. (2015). Speech in UNGA. <http://en.kremlin.ru/events/president/news/50385>
- Matlack C. (2015). Why the Jihadi Threat to Russia Is Getting Worse, 30(3): 12-17. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2015-03-30/why-the-jihadi-threat-to-russia-is-getting-worse>
- Mazis L, Sarlis M. (2013), A Geopolitical Analysis of the Activation of the Shiite Geopolitical factor within the Syrian Conflict Geosystem, Regional Science Inquiry Journal, 7(2): 128-149.
- Mustafa MS. (2019). Iran Role in the Kurdistan Region, ALJazeera Center fore Studies.
- Olga O, Keith C. (2009). Lowell H. Schwartz, Catherine Yusupov, Russian Foreign Policy, Sources and Implications." RAND Corporation, P; 143.
- Shiriyev Z. (2014). Who are Syria's Azerbaijani fighters? 15(1): 148-163.
- Taylor A. (2014). The Soviet War in Afghanistan, 8(4): 21-30. <https://www.theatlantic.com/photo/2014/08/the-soviet-war-in-afghanistan-1979-1989/100786/>
- The MID East Population (2016). <https://worldpopulationreview.com/continents/the-middle-east-population>
- Trenin D. (2014) Russia's New Military Doctrine Tells It All. <https://carnegiemoscow.org/commentary/57607>